

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۶/۹

## زندگی سیاسی صولت‌الدوله قشقایی (۱)

(دوران مشروطیت)

منصور نصیری طیبی

پژوهشگر

### چکیده

اسماعیل خان صولت‌الدوله قشقایی (۱۳۵۲-۱۲۹۷ ه.ق/۱۳۱۲-۱۲۵۷ ه.ش.) که از سنین جوانی، وارد مناصب دولتی و فعالیت‌های سیاسی شد، از آن زمان تا پایان عمر، پیوسته مناصبی چون ایل‌بیگی‌گری و ایلخانی‌گری ایل قشقایی، حکومت در شهرهای مختلف ایالت فارس و نمایندگی مجلس شورای ملی (دوره‌های پنجم و هشتم از حوزه انتخاباتی جهرم) را بر عهده داشت. با آغاز رویدادهای جنبش مشروطه‌خواهی در فارس، وی به حمایت از مشروطه‌خواهان مبادرت نمود و به رویارویی با مخالفان پرداخت. در این مقاله، سیر تحولات زندگی سیاسی صولت‌الدوله از جمله جهت‌گیری در برابر خاندان قوام‌الملک، سران ایل بختیاری، انگلیسی‌ها و مخالفان درون ایلی و نیز چگونگی تعامل وی با قدرتهای محلی و حکومت مرکزی، در این دوران مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** صولت‌الدوله، قوام‌الملک، ایل قشقایی، ایل بختیاری، مشروطه، فتح تهران.

اسماعیل خان قشقایی، صولت‌الدوله، سردار عشایر، فرزند داراب‌خان در سال ۱۲۹۷ هـ.ق. (۱۲۵۷ هـ.ش.)<sup>۱</sup> در منطقه چاه کاظم (در حوالی شهرستان خنج) دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup> وی با انتصاب به عنوان ایلخانی یکی از بزرگترین ایلات کشور، با بهره‌گیری از هوش و استعداد سیاسی خویش، ضمن تعامل با شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف، توانست دامنه اقتدار و نفوذ خود و ایل قشقایی را به طور بی‌سابقه‌ای در جنوب ایران گسترش دهد. پیوستن وی به صف مشروطه‌خواهان و حمایت همه‌جانبه از آنان و روبرویی با مخالفان این جریان در ایالت فارس، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دوران زندگی سیاسی صولت‌الدوله است. اما به‌رغم انتشار پاره‌ای اسناد و گزارش‌های مختلف از این رویدادها، به جز نوشته‌های پراکنده در پژوهش‌های تاریخی یا در نوشته‌های نویسندگان محلی، پژوهش علمی مستقلی در این ارتباط انجام نشده است. از این رو با توجه به اسناد و داده‌های جدیدی که در سالیان اخیر در دسترس قرار گرفته‌اند، بررسی دقیق‌تر این رویدادها ضروری می‌نماید.

### صولت‌الدوله و جنبش مشروطیت

وی نخستین بار در زمان حکمرانی نظام‌الملک نوری، به ایلخانی‌گری ایل قشقایی منصوب شد. مدتی نیز به عنوان حاکم بهبهان مشغول به خدمت گردید. وی در دوران ایلخانی‌گری برادر کهترش عبدالله‌خان ضرغام‌الدوله، به تناوب، عهده‌دار منصب ایل‌بیگی و گاه به عنوان ایلخانی جانشین برادر می‌شد. او که پس از مرگ برادر خود ضرغام‌الدوله (۱۳۲۳ هـ.ق.) به ایلخانی‌گری قشقایی رسید، توانست با تکیه بر هوشیاری و درایت سیاسی خویش، حوزه نفوذ و اقتدار خود را گسترش دهد. این وقایع که هم‌زمان با آغاز حوادث مشروطیت در فارس بود، صولت‌الدوله را در دو راهی سخت تصمیم‌گیری قرار داد. از همین رو وی که ابتدا با تردید و دودلی، به وقایع مزبور می‌نگریست، با توجه به مشکلات داخلی ایل، توجه چندانی به تحولات اخیر نشان نمی‌داد. اما پیوستن محمدرضاخان قوام‌الملک به صف مخالفان مشروطه و اقداماتش علیه صولت‌الدوله موجب شد تا وی فعلاً نه از مشروطه‌خواهان حمایت نماید.

با انتصاب ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله به حکومت فارس و محمدرضاخان قوام‌الملک به نیابت وی، دشمنی قوام‌الملک با مشروطه‌خواهان شدت گرفت. او به بهانه تأخیر در پرداخت مالیات، صولت‌الدوله را عزل و ابراهیم‌خان اسعدالسلطنه (پسر عموی وی) را به ایلخانی‌گری و احمدخان ضیغم‌الدوله را به ایل‌بیگی‌گری منصوب نمود.<sup>۳</sup>

این عمل موجب تشدید مخالفت صولت‌الدوله و مشروطه‌خواهان با قوام‌الملک گردید. صولت‌الدوله که تحت تأثیر یکی از مشروطه‌خواهان افراطی به نام میرزا فرج‌الله‌خان میرپنجه از مدت‌ها قبل به مشروطیت گرایش پیدا کرده بود، به‌شدت به حمایت از مشروطه‌خواهان پرداخت.<sup>۴</sup> میرزا فرج‌الله‌خان میرپنجه و

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره پنجم، اعتبارنامه‌ها.

۲. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقایی (تهران: فروردین ۱۳۷۸).

۳. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۵ هـ.ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۱؛ ص ۴.

۴. مصاحبه نگارنده با محمدحسین‌خان قشقایی (سلمان‌شهر: شهریور ۱۳۸۱).

خواهرش نیمتاج که از اهالی تهران بودند، در دوره حکومت صولت‌الدوله در بهبهان در سال ۱۳۱۹ هـ.ق. به آنجا تبعید شدند. این دو، نقش عمده‌ای در جلب نظر صولت‌الدوله به مشروطیت ایفا نمودند.<sup>۱</sup>

صولت‌الدوله برای ارتباط با مشروطه‌خواهان در تهران، میرزا فرج‌الله‌خان را مأمور کرد تا به وکالت از وی، مواضع ایل قشقایی را به اطلاع مشروطه‌خواهان برساند. او به نامبرده اجازه داد تا در راه مشروطه‌خواهی، مبلغ یکصد هزار تومان هزینه نماید. از این رو، میرزا فرج‌الله‌خان در تهران مکاتباتی با سران مشروطه از جمله تقی‌زاده، ستارخان و باقرخان انجام داد و همراهی صولت‌الدوله با مشروطه‌خواهان را اعلام داشت.<sup>۲</sup>

پیوستن صولت‌الدوله به جناح مشروطه‌خواه فارس، تهدید جدی برای موقعیت قوام محسوب می‌شد. از این رو وی تلاش کرد با برقراری ارتباط با صولت‌الدوله و کلانتران قشقایی، آنان را از همراهی با مشروطه‌خواهان برحذر دارد. اما از آنجا که قوام‌الملک با تمام وعده و وعیدها نتوانست نظر صولت‌الدوله را تغییر دهد، از این رو، به منظور خصومت با او با شدت بیشتر به تحریک برادران وی پرداخت.

### رویارویی با مخالفان مشروطه

مشروطه‌خواهان فارس در اعتراض به اقدامات قوامی‌ها علیه ایشان، از تاریخ دوم ربیع‌الأول ۱۳۲۵ هـ.ق. به مدت چهل روز در تلگرافخانه شیراز تحصن کرده و با ارسال تلگراف‌های متعدد به مرکز، خواستار احضار قوام و فرزندان وی از فارس شدند.<sup>۳</sup>

صولت‌الدوله در حمایت از مشروطه‌خواهان با دو هزار نفر وارد شیراز شد و به متحصنان پیوست. وی هم‌چنین هزار نفر از تفنگچیان قشقایی را به حالت آماده‌باش در چهار فرسخی شیراز مستقر نمود تا در مواقع لازم، آنان را به شیراز فراخواند. در مقابل، قوام‌الملک دو هزار سوار از تفنگچیان خود را از مناطق تحت نفوذش، جهت محافظت خود به شهر آورده و در باغ دولتی و منزل شخصی‌اش مستقر کرد.<sup>۴</sup> هم‌چنین هواداران وی با جذب عده‌ای از منتقدین شهر، در مسجد نو شیراز متحصن گردیدند. بدین ترتیب، صفت‌بندی‌های مزبور، موجب بروز ناآرامی‌هایی در ایالت فارس گردید.<sup>۵</sup>

در این میان، قوام‌الملک برای مقابله با صولت‌الدوله، موجبات عزل وی از ایلخانی‌گری و جانشینی برادرش ضیغم‌الدوله را فراهم ساخت. این مسئله، موجب ایجاد تفرقه و تشتت در ایل قشقایی گردید.<sup>۶</sup> در مقابل، صولت‌الدوله با حضور در تلگرافخانه شیراز و حمایت از متحصنان، توانست این بار حکم ایلخانی‌گری خویش را نه از دست حاکم بلکه از سران انجمن ایالتی دریافت نماید.<sup>۷</sup> در این بین، در اثر این

۱. همانجا.

۲. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقایی (تهران: خرداد، ۱۳۸۱).

۳. نیر شیرازی، عبدالرسول، تحفه نیر، با تصحیح و توضیح محمد یوسف نیری (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۳)؛ صص ۱۰۴-۱۰۱.

۴. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۵ هـ.ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۱۰؛ ص ۴.

۵. نیر شیرازی، همان؛ ص ۱۰۴.

۶. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۵ هـ.ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۱/۱.

۷. نیر شیرازی، همان؛ ص ۱۱۱.

تحوّلات، صف‌آرایی‌های درون ایلی، جنگ داخلی در ایل قشقایی را شعله‌ور گردانید. ماجرا از این قرار بود؛ زمانی که ضیغم‌الدوله با هواداران خود عازم بیلاق بود، در محلی به نام قره چمن کودکان با نیروهای صولت‌الدوله روبه‌رو شد. در پی جنگ سختی که بین طرفین درگرفت، تعداد زیادی کشته بر جای ماند که بر اساس آمار اعلام شده از سوی منابع مختلف، بین ۱۵۰ نفر<sup>۱</sup> تا ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر ذکر شده است.<sup>۲</sup> کشته شدن علمدارخان کشکولی، برادر زن صولت‌الدوله و کلبعلی‌خان کشکولی از دیگر نزدیکان صولت‌الدوله در این نبرد، مشروطه‌خواهان را در موقعیت جدیدی قرار داد؛ به طوری که اجساد آنان با تشریفات زیادی وارد تلگرافخانه شیراز گردید و مدت زیادی در سوگ آنان مراسم سینه‌زنی و نوحه‌سرایی برپا شد. این حادثه موقعیت صولت‌الدوله را تحکیم بخشید، به طوری که از سوی مشروطه‌خواهان به عنوان «سردار ملی» خوانده شد و علمدارخان به «علمدار مشروطیت» اشتهار یافت.<sup>۳</sup> هم‌چنین این واقعه، انعکاس زیادی در میان صفوف مشروطه‌خواهان مرکز داشت؛ تا آن‌جا که از سوی مشروطه‌خواهان، کشته‌شدگان قشقایی را شهدا و فدائیان راه مشروطیت و آزادی قلمداد کردند.<sup>۴</sup>

حوادث مزبور و مقاومت مشروطه‌خواهان در برابر قوامی‌ها موجب شد تا محمدعلی شاه به ناچار طی تلگرافی به مؤیدالدوله دستور دهد تا حکم ایلخانی‌گری صولت‌الدوله را صادر و قوام‌الملک و فرزندان وی را از امور حکومتی فارس برکنار کند.<sup>۵</sup> این واقعه، پیروزی بزرگی برای مشروطه‌خواهان و صولت‌الدوله محسوب گردید.

صولت‌الدوله پس از دریافت حکم ایلخانی‌گری، به تعقیب مخالفان خود در میان ایل پرداخت. در نتیجه در محلی به نام کوه طهمار در منطقه بویراحمد، جنگی بین طرفین درگرفت که موجب شکست فاحش مخالفان صولت‌الدوله گردید؛<sup>۶</sup> در نتیجه ضیغم‌الدوله و همراهانش با نیروهای خود به منطقه بویراحمد پناه بردند.

در این میان، حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی به حکومت فارس، منصوب و در اوایل جمادی‌الأول ۱۳۲۵ وارد شیراز شد.<sup>۷</sup> وی به منظور کنترل اوضاع و برقراری امنیت در فارس، دست به اقداماتی زد؛ از جمله، تلاش کرد تا اختلافات میان صولت‌الدوله و برادرانش را فیصله داده و از گسترش دامنه درگیری‌ها ممانعت به عمل آورد.<sup>۸</sup>

۱. شفیعی سروستانی، مسعود، *فارس در انقلاب مشروطیت* (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۲)؛ ص ۱۰۲.

۲. ابرلینگ، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، همان؛ ص ۸۶.

۳. شفیعی سروستانی، همان؛ ص ۱۰۲.

۴. روزنامه *حبل‌المتین* (تهران)، سال اول، ش: ۳۳ (مورخ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)؛ ص ۳.

۵. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقایی (تهران: خرداد ۱۳۸۱).

۶. همانجا.

۷. نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان، *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی*، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه،

سیروس سعدوندیان و حمید مرام‌پیشه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)؛ ص ۷۶۷.

۸. شفیعی سروستانی، همان؛ ص ۱۰۸.

نظام‌السلطنه که از دیرباز با خاندان قوام‌الملک، مخالف بود، توانست رضایت مشروطه‌خواهان را جلب نماید؛ در نتیجه قوام‌الملک به اتفاق امام جمعه شیراز، ناگزیر به حرکت به سوی تهران شد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، با تدبیر نظام‌السلطنه تا حدودی آرامش به فارس بازگشت؛ صولت‌الدوله نیز جهت ایجاد نظم با والی همراه شد. اما محمدرضاخان قوام‌الملک در تهران بیکار ننشست و با نزدیک شدن به مشروطه‌خواهان<sup>۲</sup> و عضویت در انجمن اخوت،<sup>۳</sup> هم‌چنین با جلب نظر محمدعلی‌شاه توانست زمینه را برای بازگشت خود به شیراز فراهم سازد. در مقابل، مشروطه‌خواهان نیز درصدد برآمدند تا از سیدعبدالحسین لاری که یکی از سرسخت‌ترین مخالفان قوام‌الملک محسوب می‌شد، کمک گرفته و او را به شیراز دعوت کنند. لذا وی به همراه ۲۰۰۰ نفر از تفنگچیان لارستانی، در حمایت از مشروطه‌خواهان وارد شیراز شد.<sup>۴</sup> بدین‌سان، این واقعه، باعث نزدیکی صولت‌الدوله و سیدعبدالحسین لاری گردید. نتیجه این اتحاد، علاوه بر استحکام موقعیت، موجب افزایش قدرت مشروطه‌خواهان و وحشت قوامی‌ها و هواداران وی گردید. وقایع مزبور، موجب گسترش کشمکش و درگیری‌های طرفین گردید و در نتیجه، نظام‌السلطنه که قادر به کنترل اوضاع نبود، به‌ناچار، از حکومت فارس استعفا کرد.<sup>۵</sup>

در این میان، وزارت داخله اعلام کرد که قصد دارد علاء‌الدوله را به عنوان حاکم به شیراز اعزام نماید. انتشار خبر مزبور، موجب واکنش شدید مشروطه‌خواهان فارس در مخالفت با این انتصاب گردید.<sup>۶</sup> صولت‌الدوله نیز با فراخواندن نیروهای خود به شیراز، اعلام داشت که از ورود علاء‌الدوله به فارس ممانعت به عمل خواهد آورد.<sup>۷</sup> در نتیجه، مخالفت‌های مزبور، موجب شد تا حکومت مرکزی از اعزام علاء‌الدوله به فارس منصرف شود.<sup>۸</sup>

انتصاب غلامحسین‌خان صاحب اختیار (وزیر مخصوص) به حکومت فارس<sup>۹</sup> و تلاش‌های او برای برقراری مصالحه بین طرفین، موجب شد تا هرچند برای مدت کوتاه، آرامش در این ایالت برقرار گردد. در حالی که انتظار می‌رفت با انتصاب صاحب‌اختیار به حکومت فارس، اوضاع فارس حالت آرامی به خود گیرد اما سهو حکومت مرکزی در اجازه بازگشت قوام‌الملک به شیراز، موجب شد تا اوضاع ایالت فارس مجدداً آشفته گردد.

محمدرضاخان قوام‌الملک که علی‌رغم میل صاحب‌اختیار، وارد شیراز شده بود، با اتکاء به حمایت محمدعلی‌شاه و گروهی از رجال تهران تلاش کرد تا با توجه به موقعیت مزبور، مشروطه‌خواهان را از صحنه

۱. وثوقی، محمدباقر و کوروش کمالی سروستانی، نگاهی به تحولات فارس در آستانه استبداد صغیر (بی‌جا: ستاد کنگره بزرگداشت آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، با همکاری بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۱.
۲. روزنامه مجلس، سال اول، شماره ۱۵۵، ۲ رجب ۱۳۲۵؛ ص ۴.
۳. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶)؛ ص ۱۰۹.
۴. وثوقی و کمالی سروستانی، همان؛ صص ۱۳-۱۲.
۵. نظام‌السلطنه مافی، همان؛ ص ۲۷۷.
۶. روزنامه مجلس، سال اول، ش: ۱۲۹، (مورخ ۲ شوال ۱۳۲۵)؛ صص ۳-۲.
۷. شفیعی سروستانی، همان؛ ص ۱۹.
۸. روزنامه حبل‌المتین (تهران)، سال اول، ش: ۱۸۵ (مورخ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۵)؛ صص ۴-۳.
۹. کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران)، ج ۱ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)؛ ص ۱۲۹.

سیاسی فارس خارج سازد.<sup>۱</sup> مشروطه خواهان که بازگشت قوام و عزم راسخ انتقام جویانه وی را مشاهده کردند، در نتیجه، تنها راه خروج از مخمصه مزبور را در حذف فیزیکی قوام الملک دیدند.

از این رو محمدرضاخان قوام الملک در چهارم صفر ۱۳۲۶ هـ.ق. به ضرب گلوله نعمت الله بروجردی، غلام معتمد دیوان کواری و از مخالفان قوام، از پای در آمد.<sup>۲</sup> در اثر واقعه مزبور، شیراز حالت بحرانی به خود گرفت. تنها سه روز پس از این حادثه، با طرح توطئه فرزندان قوام در مجلس ترحیم وی در حسینیة قوام، دو تن از سران مشروطه خواه به نام های شیخ محمدباقر اصطهباناتی و سیداحمد دشتکی - که گمان دست داشتن آنان در ترور قوام می رفت - به دست افراد قوام به قتل رسیدند.<sup>۳</sup>

وقایع مزبور و اقدامات انتقام جویانه دیگر قوامی ها شیراز را به طور کامل در آشوب فرو برد. از آن جایی که صاحب اختیار، نیروی لازم و توانایی برقراری امنیت را نداشت،<sup>۴</sup> حکومت مرکزی را بر آن داشت تا مسعود میرزا ظل السلطان را به حکومت فارس منصوب سازد.<sup>۵</sup> ظل السلطان به سرعت عازم شیراز شد و توانست در مدت کوتاهی با تخریب سنگرها و دستگیری برخی اشرار و اوباش شهری<sup>۶</sup> هم چنین با اعدام دو تن از افراد مقصر در قتل دو چهره مشروطه خواه، آرامش را به شیراز بازگرداند.<sup>۷</sup> وی برای کاستن از احساسات ضد قوامی، تصمیم گرفت فرزندان قوام، حبیب الله خان (قوام الملک چهارم) و نصرالدوله را به اروپا تبعید نماید.<sup>۸</sup>

افول قدرت قوامی ها، موجب افزایش بی سابقه قدرت مشروطه خواهان و صولت الدوله گردید زیرا صولت الدوله توانست تسلط خود را بر بسیاری از طوایف ایل قشقایی و نواحی اطراف توسعه دهد. اما این فرصت، دوامی نیافت چون با به توپ بسته شدن مجلس از سوی محمدعلی شاه در ۲۳ جمادی الأولی ۱۳۲۶ هـ.ق. و آغاز دوران استبداد صغیر، ظل السلطان از حکومت فارس، عزل و عازم اروپا گردید.<sup>۹</sup>

### دوران استبداد صغیر

پس از واقعه به توپ بستن مجلس، غلامرضاخان آصف الدوله که رابطه نزدیکی با خاندان قوام داشت، جانشین ظل السلطان گردید. قوامی ها تلاش کردند با جلب نظر صولت الدوله و دعوت از وی برای حضور در

۱. براون، ادوارد، انقلاب ایران، ترجمه احمدپژوه (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۸)؛ صص ۵۴۳-۵۴۱ و نیز شیرازی، همان؛ صص ۱۱۸-۱۱۷.

۲. حکمت، علی اصغر، ره آغاز حکمت، به اهتمام سیدمحمد دبیرسیاقی، ج ۱ (تهران: خجسته، ۱۳۸۴)؛ ص ۱ و نیز شیرازی، همان؛ صص ۱۲۲.

۳. حکمت، همان؛ صص ۸-۴ و نیز شیرازی، همان؛ صص ۱۲۷-۱۲۵.

۴. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۶ هـ.ق.، کارتن ۲۹، پرونده ۱۱.

۵. روزنامه مجلس، سال دوم، ش: ۷۸ (مورخ ۱۷ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۴.

۶. روزنامه اخوت شیراز، سال اول، ش: ۱ (مورخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

۷. همان؛ ش: ۵ (مورخ ۵ جمادی الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۸.

۸. روزنامه مجلس، سال دوم، ش: ۱۵۱ (مورخ ۱۸ جمادی الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

۹. وثوقی و کمالی سروستانی، همان؛ صص ۲۹-۲۸ و حکمت، رضا، خاطرات سردار فاخر حکمت، به کوشش سیفالله وحیدنیا (تهران: البرز، ۱۳۷۹)؛ ص ۹۵.

انجمن ایالتی که تحت حمایت آصف‌الدوله تشکیل شده بود، وی را از صفوف مخالفان خود خارج سازند. اما با امتناع صولت‌الدوله از حضور در انجمن ایالتی، تلاش آنان بی‌نتیجه ماند.<sup>۱</sup> از این رو قوامی‌ها درصدد برآمدند به منظور بی‌اعتبار ساختن صولت‌الدوله - که مسئولیت برقراری امنیت در راه‌های تجاری جنوب را بر عهده داشت - با تحریک اتباع خود در جهت سرقت در راه‌ها، اوضاع فارس را ناامن جلوه دهند.<sup>۲</sup> در این میان، به علت زیاده‌خواهی‌های قوامی‌ها، رابطه میان آصف‌الدوله با حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک تیره شد.<sup>۳</sup> از این رو برای مقابله با وی، از قشقایی‌ها و سیدعبدالحسین لاری، یاری خواست؛ در نتیجه، بیش از دوهزار تفنگچی قشقایی و لاری وارد شیراز شده و در نقاط مختلف شهر مستقر شدند.<sup>۴</sup> اما اقدامات مزبور، نه تنها کمکی به آصف‌الدوله برای برقراری امنیت نکرد بلکه ناامنی و کشمکش را نیز شدت بخشید. در نتیجه در ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ آصف‌الدوله که ادامه وضعیت مزبور برای او مشکل بود، استعفا کرد.<sup>۵</sup>

### فتح تهران

صولت‌الدوله، در واپسین ایام استبداد صغیر، با توسل به سیاست گذر زمان، به لحظه‌ها چشم دوخته و منتظر فرصت مناسب بود؛ تا آن‌جا که تعلل وی انتقاد دیگر مشروطه‌خواهان را برانگیخت.<sup>۶</sup> علاوه بر این، برخی علما به منظور جلوگیری از پیوستن صولت‌الدوله (همانند برخی از ایلات آذربایجان) به محمدعلی شاه، با ارسال نامه‌ای از وی خواستند تا به حمایت از مشروطه‌خواهان وارد عمل شود.<sup>۷</sup> در نتیجه صولت‌الدوله به منظور نشان دادن وفاداری خود به مشروطه‌خواهان، با ارسال تلگراف‌هایی به سپهدار اعظم، کمیته ستار و کمیسیون جنگ درخواست کرد به منظور همراهی با آنان و یاری رساندن در فتح تهران، اجازه داده شود وی نیرویی را به تهران اعزام دارد.<sup>۸</sup> اما مشروطه‌خواهان با در نظر گرفتن بُعد مسافت از یک سو و موقعیت ویژه فارس از او خواستند تلاش خود را به منظور برقراری امنیت در فارس و مبارزه با مستبدین در آن منطقه، به کار گیرد و هم‌چنین به وی وعده دادند در صورت نیاز برای حمایت از بختیاری‌ها در اصفهان از او کمک خواهند گرفت.<sup>۹</sup> در همین اثنا، وقوع تحولات جدید در مرکز، حمله مشروطه‌خواهان به تهران و خلع محمدعلی شاه از سلطنت، حوادث جدیدی را رقم زد که بر اوضاع سیاسی فارس بسیار تأثیرگذار بود زیرا کمیته انقلابی،

۱. کتاب آبی، همان؛ ج ۲، صص ۵۳۴-۵۳۵.

۲. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال شانزدهم، ش: ۲۳ (مورخ ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ هـ.ق.)؛ صص ۲۲-۲۱.

۳. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۷ هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۱.

۴. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال شانزدهم، ش: ۳۵ (مورخ ۶ ربیع‌الأول ۱۳۲۷)؛ ص ۲۴.

۵. همان، سال هفدهم، ش: ۱۵ (۱۵ رجب ۱۳۲۷)؛ ص ۱۹.

۶. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال هفدهم، شماره ۹ (مورخ ۲۰ شعبان ۱۳۲۷)؛ ص ۱۶.

۷. «اسناد تاریخی و منتشرنشده ایل قشقایی» با حواشی و توضیحات محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، ماهنامه نامه نور، شماره چهارم و پنجم، دهم آذر ۱۳۵۸؛ صص ۱۲۴-۱۲۱.

۸. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۹ (مورخ ۲۰ شعبان ۱۳۲۷)؛ صص ۱۸-۱۷.

۹. همانجا.

علاءالدوله را برای حکومت فارس تعیین کرد.<sup>۱</sup> انتشار خبر مزبور، اعتراض گسترده مشروطه‌خواهان فارس را برانگیخت، صولت‌الدوله این بار نیز به‌شدت در مقابل این انتصاب واکنش نشان داد و اعلام داشت که تحت هیچ شرایطی به علاءالدوله اجازه ورود به فارس را نخواهد داد.<sup>۲</sup> وی برای عملی ساختن تهدید خود، با اعزام افراد خود به آباءه، نشان داد که حتی حاضر است با توسل به قوه قهریه، مانع از ورود علاءالدوله به فارس شود.<sup>۳</sup>

هم‌زمان با وقایع مزبور، از سوی آیت‌الله محمدکاظم خراسانی از نجف خطاب به صولت‌الدوله، حکمی مبنی بر مقابله با اقدامات قوامی‌ها، ممانعت از قتل و غارت از سوی عمال آنان و برقراری امنیت در «طرق و شوارع» صادر شد.<sup>۴</sup> وصول حکم مزبور، صولت‌الدوله را برای عملی کردن تصمیم خویش مصمم‌تر ساخت؛ از این رو وی اعلام داشت که قصد دارد در شیراز، مجلس ملی برپا سازد، لذا به اتفاق سیدعبدالحسین لاری، در حالی که نیروهایشان به ده هزار نفر می‌رسید، به سوی شیراز حرکت کرد.<sup>۵</sup> بازتاب اقدام اخیر صولت‌الدوله، حکومت مرکزی را به‌شدت به هراس انداخت، لذا برای جلوگیری از عمل وی، عوامل حکومتی دست به دامان علمای نجف شدند. بدین ترتیب، بنا به توصیه علمای نجف و با شرایط خروج قوام‌الملک از شیراز و منتفی شدن حکومت علاءالدوله، صولت‌الدوله از حمله به شیراز منصرف گردید.<sup>۶</sup>

### مقابله با بختیاری‌ها

با فتح تهران و پایان دوره استبداد صغیر، بختیاری‌ها به خاطر نقشی که در این رویداد بر عهده داشتند به عنوان یکی از قدرت‌های مطرح کشور در آمدند. در این میان، قشقایی‌ها که به‌طور سنتی، پیوسته، به ایل بختیاری به دیده رقیب می‌نگریستند اکنون اعمال قدرت آنان را بر خود بسیار ناگوار می‌دانستند. بختیاری‌ها که از این مسئله، آگاه بودند، برای درهم شکستن قدرت قشقایی‌ها در جنوب، متوجه رقیب محلی آنان یعنی خاندان قوام‌الملک شدند؛ از این رو، قوامی‌ها در یک جهت‌گیری صد و هشتاد درجه‌ای وارد جرگه مشروطه‌خواهان شدند؛ بدین ترتیب، ائتلاف جدید سیاسی علیه صولت‌الدوله شکل گرفت. این وقایع، صولت‌الدوله را به‌شدت به فعالیت برانگیخت. وی به منظور بی‌اعتبار ساختن بختیاری‌ها، با موضع‌گیری در برابر آنان و مخالفت با حکام انتصابی فارس از سوی بختیاری‌ها به مقابله با آنان برخاست. اقدامات صولت‌الدوله موجب یک سری انتقادات جدید از سوی برخی محافل مشروطه‌خواه و مطبوعات از جمله روزنامه *حبل‌المتین* گردید.<sup>۷</sup> در این میان، آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله مازندرانی، تلگرافی خطاب به

۱. کتاب آبی، همان؛ ج ۳، صص ۷۱۴-۷۱۳.

۲. ابرلینگ، «سیاست قبله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، ترجمه کاوه بیات، ماهنامه *نامه نور*، ش: ۴ و ۵، دهم آذر ۱۳۵۸؛ ص ۷۵.

۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۵، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۴ (تهران: نوین و آگاه، ۱۳۶۲)؛ صص ۷۱۴-۷۱۵.

۴. روزنامه *حبل‌المتین* (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۸ (مورخ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷)؛ صص ۸-۷.

۵. کتاب آبی، همان؛ ج ۳، ص ۶۳۴.

۶. میرزایی دره شوری، غلامرضا، *قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)؛ ص ۱۴۷.

۷. روزنامه *حبل‌المتین* (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۹ (مورخ ۲۰ شعبان ۱۳۲۷)؛ ص ۱۵.



صولت‌الدوله ارسال کردند که در آن، ضمن تقدیر از «حمیت دینی» او، از وی خواستند به منظور جلوگیری از ایجاد بهانه برای دخالت بیگانگان، با حکومت مرکزی همکاری نماید.<sup>۱</sup> صولت‌الدوله در پاسخ به درخواست مزبور، اظهار داشت:

«به اقتضای اسلامیت، تکلیف خود را اطاعت صرف می‌داند.»<sup>۲</sup>

با مماشات صولت‌الدوله با حکومت مرکزی و پذیرش حکومت جعفرقلی‌خان سهام‌الدوله، اوضاع فارس، هرچند موقت، آرام گردید.<sup>۳</sup> سهام‌الدوله به عنوان نخستین حاکم فارس پس از فتح تهران، در چهارم رمضان ۱۳۲۷ هـ.ق. وارد فارس شد.<sup>۴</sup> وی چون نیروی کافی برای برقراری امنیت در جاده‌های تجاری فارس را نداشت، این وظیفه را بر عهده حبیب‌الله قوام‌الملک و برادرش نصرالدوله گذاشت.<sup>۵</sup> اما این اقدام، امری کاملاً بیهوده بود زیرا قوام‌الملک حتی توانایی فراهم آوردن نیروی محافظ خود در شیراز را نداشت، چه رسد به اینکه نیروهای خود را از شهر خارج سازد.<sup>۶</sup>

گرچه قوامی‌ها در مناطق حوزه شرقی فارس که قلمرو ایل خمسه محسوب می‌شد، به موفقیت‌هایی دست یافتند<sup>۷</sup> اما تلاش آنان برای برقراری امنیت در جاده تجاری شیراز - بوشهر به جایی نرسید و موجب برانگیختن اعتراض انگلیسی‌ها شد.<sup>۸</sup>

سهام‌الدوله که تلاش‌هایش برای برقراری امنیت در راه‌ها به جایی نرسیده بود، در اوایل ذی‌قعدة ۱۳۲۷ از حکومت فارس استعفا کرد<sup>۹</sup> اما حکومت مرکزی ضمن رد استعفای سهام‌الدوله به وی وعده داد که نظر صولت‌الدوله را برای همکاری با وی جلب خواهد کرد.<sup>۱۰</sup>

راه‌های اصلی تجاری جنوب به داخل کشور، از قلمرو ایل قشقایی می‌گذشت. اعمال قدرت صولت‌الدوله در حفظ و کنترل این راه‌ها می‌توانست قدرت وی را دوچندان سازد زیرا بخش قابل توجهی از فعالیت‌های سیاسی او تا جنگ جهانی اول، منحصر به همین امر بود.<sup>۱۱</sup> از اوایل قرن بیستم حکومت رسماً ایلخانی قشقایی را مسئول امنیت عبور و مرور کاروان‌ها از قلمرو ایل قشقایی می‌دانست. هرچه حکومت ضعیف‌تر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز اسناد و خدمات

۱. همان، ش: ۲۲ (مورخ ۱۱ رمضان ۱۳۲۷)؛ ص ۱۷.
۲. روزنامه مجلس، سال سوم، ش: ۲۹ (مورخ ۱۵ رمضان ۱۳۲۷)؛ ص ۴.
۳. کتاب آبی، همان؛ ج ۳، ص ۷۶۴.
۴. روزنامه مجلس، سال سوم، ش: ۲۸ (مورخ ۱۲ رمضان ۱۳۲۷)؛ ص ۴.
۵. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۷ هـ.ق.، کارتن ۲، پرونده ۶۴.
۶. ابرلینگ، «کوچ‌نشینان قشقایی فارس»، همان؛ ص ۱۰۴.
۷. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۷ هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۲۰.
۸. مرکز اسناد وزارت خارجه، همانجا.
۹. برای اطلاع بیشتر، نک: نصیری طبیبی، منصور، ایالت فارس و قدرت‌های خارجی؛ از مشروطیت تا سلطنت رضا شاه (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۴)؛ صص ۳۶-۷.
۱۰. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۷ هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۱۰.
۱۱. همان، پرونده ۲.

می‌شد، نقش ایلخانی به عنوان نماینده حکومت مرکزی اهمیت بیشتری می‌یافت و از طرف دیگر، اهمیت راه‌های تجاری در سرنوشت و توسعه قدرت ایل قشقایی بسیار مهم و حیاتی می‌نمود.<sup>۱</sup> اما انگلیسی‌ها که حجم قابل توجهی از مبادلات تجاری خود با ایران را از طریق بوشهر انجام می‌دادند، هرگاه سرعت و ناامنی در جاده‌های جنوب واقع می‌شد، یادداشت‌های اعتراض‌آمیزی به دولت ایران تسلیم داشته و خواستار اقدام مقتضی از سوی دولت ایران در این زمینه می‌شدند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، مسائل مزبور، موجب بروز تحولات جدیدی در فارس گردید زیرا حفظ منافع مشترک، از سوی بریتانیا و قوامی‌ها (تجّار عمده جنوب) به آسانی آنان را در کنار یکدیگر قرار داد، و این مسئله، تأثیر نامناسبی از بریتانیا بر افکار عمومی از جمله قشقایی‌ها به جای نهاد. بدون شک این انگلیس‌ستیزی بیشتر برخاسته از روحیه ضدقوامی بود که موجب شد قشقایی‌ها، شخص صولت‌الدوله را در اذهان خود نسبت به انگلیسی‌ها به عنوان سرسخت‌ترین دشمن تجسم نمایند.

اما از آن جایی که حکومت فارس بدون یاری صولت‌الدوله قادر به برقراری امنیت در جاده‌های مزبور نبود، پیوسته نقش وی در معادلات سیاسی فارس پُراهمیت می‌نمود؛ به همین دلیل، سهام‌الدوله که با تحریک بختیاری‌ها و تحت نفوذ قوامی‌ها به تضعیف صولت‌الدوله و حمایت از ضیغم‌الدوله اقدام کرده بود،<sup>۳</sup> در یک چرخش سیاسی، مجبور شد با صولت‌الدوله همکاری نماید. این مسئله از آن جا ناشی می‌شد که صولت‌الدوله با توجه به مخالفت بختیاری‌ها با وی توانسته بود به جناح رقیب یعنی سپهدار اعظم نزدیک شود؛ از این رو در سایه حمایت سپهدار که هم‌اکنون وزیر داخله بود، توانست قدرت و نفوذ خود را گسترش دهد.<sup>۴</sup> لذا سهام‌الدوله مجبور شد تا از صولت‌الدوله بخواهد مسئولیت برقراری نظم و امنیت در جاده شیراز - بوشهر را بر عهده گیرد.<sup>۵</sup> ظفرالسلطنه جانشین وی نیز بنا به دستور سپهدار اعظم، حکومت کازرون، دشتی و دشتستان را به صولت‌الدوله واگذار کرد.<sup>۶</sup> در نتیجه وی حکمرانی تقریباً مستقلی از حکومت فارس به دست آورد. پذیرش این مسئولیت، صولت‌الدوله را از یک مقام ایلی به یک چهره منطقه‌ای تبدیل کرد و موجب شد تا قدرت نفوذ وی بیش از پیش افزایش یابد. اما بختیاری‌ها که از موفقیت صولت‌الدوله به شدت نگران بودند، به تکاپو افتادند تا انسجام ایل قشقایی را از هم بگسلند، لذا به تحریک برادر وی ضیغم‌الدوله اقدام کردند تا به مخالفت با صولت‌الدوله بپردازد.<sup>۷</sup>

۱. نجفی شبانکاره، علی عسکر، نقش ایل قشقایی در حوادث سیاسی فارس از مشروطه تا جنگ جهانی اول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳؛ ص ۲۱۴.
۲. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۳ هـ.ق.، کارتن ۱۴، پرونده ۲.
۳. کتاب آبی، همان؛ ج ۴، ص ۸۵۷.
۴. همان؛ ص ۹۱۳.
۵. ابرلینگ، «کوچ‌نشینان قشقایی فارس»، همان؛ ص ۱۰۴.
۶. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال هجدهم، ش: ۲ (مورخ ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸)؛ ص ۲۱.
۷. ابرلینگ، همان؛ ص ۱۱۱.

بدین ترتیب سردار اسعد برای کاهش نفوذ صولت‌الدوله، به ظفرالسلطنه والی فارس دستور داد تا مقام ایلخانی‌گری را به ضیغم‌الدوله واگذار نماید.<sup>۱</sup> با وجود اینکه در اوایل کار، عده‌ای در حدود دوهزار نفر گرد ضیغم‌الدوله جمع شدند اما وی نتوانست در مقابل صولت‌الدوله مقاومت کند، در نتیجه، با از دست دادن هواداران خود، با پنجاه سوار به منطقه بختیاری گریخت.<sup>۲</sup>

اقدامات تحریک‌آمیز بختیاری‌ها علیه صولت‌الدوله وی را بر آن داشت تا برای مقابله با آنان اتحادیه‌ای از سران ایلات مختلف علیه بختیاری‌ها تشکیل دهد. در نتیجه وی بنا به پیشنهاد رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه، اتحادیه‌ای به نام اتحاد جنوب یا جمعیت جنوب تشکیل داد که دیگر چهره‌های نگران از اقتدار فزاینده بختیاری‌ها را نیز در بر می‌گرفت؛ شیخ خزعل که بر بخش وسیعی از خوزستان تسلط داشت و غلامرضاخان سردار اشرف والی پشتکوه (ایلام) لرستان از دیگر اعضای این پیمان بودند.<sup>۳</sup>

گرچه مهم‌ترین اهداف اتحادیه مزبور، حفظ استقلال مملکت، تلاش برای بقای مشروطیت، حفظ امنیت و رفاه در مناطق مورد نظر و رونق تجارت داخلی و بین‌المللی اعلام شد<sup>۴</sup> ولی در متن معاهده، هیچ اشاره‌ای به بختیاری‌ها نشده بود، با وجود این، بر کسی پوشیده نبود که هدف اصلی این معاهده، جلوگیری از افزایش نفوذ و قدرت روزافزون بختیاری‌هاست. اما انعقاد پیمان مزبور، نگرانی دولت بریتانیا را برانگیخت زیرا بروز هرگونه ناآرامی در مناطق نفت‌خیز خوزستان، خطر بزرگی برای منافع آنان محسوب می‌شد.<sup>۵</sup> از این رو با دخالت انگلیسی‌ها شیخ خزعل خود را از صف متحدان اتحاد جنوب کنار کشید.<sup>۶</sup> لذا با خروج شیخ خزعل از این پیمان، پایه و اساس اتحادیه مزبور، سست شد.

صولت‌الدوله که به منظور به زانو درآوردن سردار اسعد، به سیاست مقابله به مثل، دست زده بود، این بار، متوجه جناح رقیب سردار اسعد در ایل بختیاری گردید. لذا صولت‌الدوله تلاش کرد، لطفعلی‌خان امیرمفخم را به اتحاد جنوب وارد نماید.<sup>۷</sup>

از سوی دیگر، در تابستان ۱۳۲۸ هـ.ق، صولت‌الدوله تصمیم گرفت برای نمایش قدرت خویش در مقابل بختیاری‌ها سیصد تن از سواران قشقایی را به اصفهان اعزام دارد.<sup>۸</sup> وی هم‌چنین طی تلگرافی به تهران، اعلام داشت که هدف وی گرفتن انتقام از قاتلان سیدعبدالله بهبهانی است؛ او تأکید کرد برای این منظور، حکم جهاد علمای نجف را نیز دریافت کرده است.<sup>۹</sup>

۱. نجفی شبانکاره، همان؛ ص ۲۵۵.

۲. ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، همان؛ صص ۸۱-۸۲.

۳. «اسناد تاریخی منتشر نشده ایل قشقایی»، ماهنامه نامه نور، صص ۱۳۰-۱۲۵.

۴. روزنامه حبل‌المتین (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۴۵ (مورخ ۲۷ جمادی‌الأول ۱۳۲۸)؛ صص ۱۸-۱۹.

۵. ویلسون، آرنولد، سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری (بی‌جا: وحید، ۱۳۴۷)؛ ص ۱۰۸.

۶. ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، همان؛ ص ۸۱.

۷. روزنامه یادگار جنوب، سال اول، ش: ۶ (مورخ ۲۶ محرم ۱۳۲۹)؛ صص ۵-۶.

۸. کتاب آبی، همان؛ ج ۴، ص ۸۷۴.

۹. ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، همان؛ ص ۱۰۱.

در مرکز نیز پس از قتل سیدعبدالله بهبهانی و با افزایش نگرانی و اضطراب از وضع موجود، کابینه سپهدار تنکابنی استعفا و میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک در ۱۸ رجب ۱۳۲۸ به قدرت رسید.<sup>۱</sup> علاوه بر رئیس‌الوزراء، عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر داخله نیز از حامیان صولت‌الدوله محسوب می‌شد.<sup>۲</sup> از این رو آنان برای جلوگیری از بروز بحران در جنوب کشور تلاش کردند برای جلب نظر صولت‌الدوله، ظفرالسلطنه را که از ضیغم‌الدوله حمایت می‌کرد، از حکومت فارس برکنار سازند.<sup>۳</sup> علاوه بر این، به وی تضمین داده شد که خطری از جانب بختیاری‌ها متوجه او نخواهد بود.<sup>۴</sup>

با وجود این، سردار اسعد تلاش کرد تا حبیب‌الله خان قوام‌الملک را به نیابت حکومت فارس منصوب سازد؛<sup>۵</sup> در نتیجه، این عمل، صولت‌الدوله را برآشفته و طی تلگرافی به وزارت داخله، نسبت به اعمال بختیاری‌ها در مرکز در خلع سلاح کردن نیروهای ستارخان و باقرخان و مسامحه در تعقیب و محاکمه عاملان و آمران قتل آیت‌الله بهبهانی اعتراض نمود. وی تأکید کرد که بختیاری‌ها «به همان قاعده که ادای حقوق سردار و سالار ملی را نمودند، جزای مشروطه‌خواهی و وطن‌پرستی قشقایی را هم» خواهند داد. وی در پایان درخواست کرد که دولت به وی اجازه دهد تا با اقدامات بختیاری‌ها مقابله نماید.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، یکی از نمایندگان فارس به نام حاجی آقا مجتهد شیرازی، در مجلس شورای ملی نسبت به اقدامات بختیاری‌ها در جنوب ایران به منظور از میان برداشتن صولت‌الدوله به‌شدت اعتراض کرد.<sup>۷</sup> سردار اسعد ضمن رد اتهامات وارده، هرگونه اقدام علیه صولت‌الدوله را از جانب خود تکذیب کرد.<sup>۸</sup>

از این رو حکومت مرکزی برای رفع اختلافات طرفین، دست به دامان علمای اصفهان گردید تا با وساطت آنان، مصالحه‌ای بین دو طرف به وجود آید.<sup>۹</sup> بدین ترتیب، پس از مذاکرات مفصل و تبادل یادداشت‌هایی بین طرفین معاهده، صلحی بین آنان منعقد شد. بر اساس آن، بختیاری‌ها در اصفهان و مناطق هم‌جوار و قشقایی‌ها نیز در ایالت فارس هریک از امتیازات خاصی برخوردار شدند. بدین سان، صلحی هرچند شکننده و موقت بین طرفین به وجود آمد.<sup>۱۰</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. نوایی، عبدالحسین، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم (تهران: بابک، ۲۵۳۵)؛ ص ۱۶۳.
۲. همان؛ ص ۱۷۷.
۳. مرکز اسناد ملی، (شماره بازیابی: ۲۹۳-۲۹۴۱۳-۲۹۶۵۰۰۲۴۴۱۳) ب. الف. ۱.
۴. همان، (شماره بازیابی: ۲۹۶۵۰۰۲۹۳۰۰۲۴۴۱۳) ب. الف. ۱.
۵. همانجا.
۶. همان (شماره بازیابی: ۳۲۵۹-۳۴۶۰۶۲۹۳۰۰۳۲۵۹) ب. ۱۵۱.
۷. روزنامه مجلس، سال چهارم، ش: ۱۳ (مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۸)؛ صص ۲-۳.
۸. همانجا.
۹. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقایی (تهران: خرداد، ۱۳۸۱).
۱۰. گارثویت، جن. راف، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرداد امیری (تهران: سپند، ۱۳۷۷)؛ ص ۲۹۸.

## تأمین امنیت راه‌های تجاری جنوب

با قدرت‌یابی قوام‌الملک در مقام نایب‌الایاله فارس و تلاش وی برای تضعیف صولت‌الدوله، موجب شد تا صولت‌الدوله به منظور اعتراض به اقدامات قوام‌الملک، از مسئولیت خود در حفاظت از راه‌های جنوب کناره‌گیری کند؛ در نتیجه، این نامنی و هرج و مرج، سراسر راه‌های مزبور را فراگرفت.<sup>۱</sup> دولت بریتانیا که منافع خود را در خطر می‌دید، دست به کار شد و طی اولتیماتومی به دولت ایران تهدید کرد که اگر به مدت سه ماه در جاده‌های تجاری بوشهر - شیراز - اصفهان امنیت برقرار نشود، آن دولت مجبور خواهد شد نیروهایی را برای اعاده نظم به ایران وارد نماید.<sup>۲</sup> این مسئله، دولت مستوفی‌الممالک را بر آن داشت تا به منظور جلوگیری از افزایش بحران، به سرعت راه چاره‌ای پیدا کند. لذا بهترین و قابل دسترس‌ترین گزینه نیز چیزی نبود جز تفویض مجدد مسئولیت امنیت جاده‌ها به صولت‌الدوله که از قدرت و نفوذ کافی برای برقراری امنیت در حوزه مزبور، برخوردار بود. از این رو در جریان مذاکره از طریق تلگراف حضوری<sup>۳</sup> که با حضور فرمانفرما وزیر داخله در تهران با صولت‌الدوله، در تلگرافخانه کازرون انجام پذیرفت، صولت‌الدوله را بر آن داشت تا مسئولیت امنیت جاده‌های مزبور را بپذیرد.<sup>۴</sup> در نتیجه، بهانه انگلیسی‌ها برای دخالت نظامی در ایران برطرف گردید. پذیرش مسئولیت مزبور از سوی صولت‌الدوله وی را در اوج قدرت قرار داد و موجب افزایش محبوبیت و اعتبار ملی وی گردید. علاوه بر این، انعکاس وسیعی در محافل سیاسی داخلی و خارجی پیدا کرد؛ به طوری که روزنامه مجلس ضمن تقدیر از اقدام وی چنین نوشت:

خدای را شکر که هنوز خون ایرانیت در عروق ایناء این آب و خاک، در جوش است و در مورد خدمات وطنی از هیچ فداکاری مضایقه ندارند. امیدواریم غائله فارس به کلی بعد از این اقدامات، مرتفع شده و دست اجانب، یکسره کوتاه شود ... به قول آیت‌الله خراسانی، ایران را به غمخوارانش واگذارند تا آب رفته به جوی آید.<sup>۵</sup>

صولت‌الدوله توانست در مدت کوتاهی با اعزام تفنگچیان خود به نقاط مختلف جاده شیراز - بوشهر و استقرار در آن نقاط، به تعقیب و تنبیه سارقین بپردازد.<sup>۶</sup> در نتیجه، با تکیه بر اقتدار و قدرت نظامی وی، جاده اصلی تجاری جنوب، بازگشایی شد و امنیت به آن بازگشت.<sup>۷</sup>

## رویارویی با قوامی‌ها

حکومت مرکزی که بر آن بود حاکم مقتدر و بانفوذی را به فارس اعزام نماید، از این رو رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه که املاک زیادی در مناطق خشت و دالکی (بین کازرون و بوشهر) داشت را روانه فارس نمود.

۱. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۸هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۱.

۲. همانجا.

۳. منظور از تلگراف حضوری، تلگرافی است که هر دو طرف مورد مذاکره شخصاً در تلگرافخانه حضور پیدا می‌کردند.

۴. روزنامه مجلس، سال چهارم، ش: ۳۱ (مورخ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸)؛ ص ۴.

۵. همانجا.

۶. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۸هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۲.

۷. روزنامه مجلس، سال چهارم، ش: ۳۶ (مورخ ۳ ذی‌حجه ۱۳۲۸)؛ ص ۳.

نظام السلطنه در راه سفر خود از کرمانشاه،<sup>۱</sup> با سردار اشرف و شیخ خزعل ملاقات کرد؛ آن‌گاه با کشتی از محمره (خرمشهر) عازم بوشهر شد و در آنجا مورد استقبال صولت‌الدوله قرار گرفت.<sup>۲</sup>

نظام السلطنه که با استقبال هزاران نفر تنگستانی و قشقایی وارد بوشهر شده بود، از همان نقطه، اقدامات انتظامی خود را آغاز کرد. وی ضمن تقدیر از اقدامات صولت‌الدوله در برقراری امنیت جاده‌های تجاری، حمایت همه‌جانبه خویش را از وی اعلام داشت.<sup>۳</sup> وی پس از برقراری امنیت و تنبیه اشرار، با کمک صولت‌الدوله در مناطق تنگستان، بهبهان و کهگیلویه وارد شیراز شد. وی اداره ایل قشقایی را به صولت‌الدوله و نیز حکومت دشتی و دشتستان، کازرون، بهبهان و کهگیلویه را به نزدیکان وی سپرد.<sup>۴</sup> در این فاصله در مرکز نیز مستوفی‌الممالک در ۱۰ ربیع‌الأول ۱۳۲۹ جای خود را به سپهدار تنکابنی داد.<sup>۵</sup>

علی‌رغم اینکه نظام السلطنه برای جلب اعتماد خاندان قوام، نصرالدوله برادر قوام‌الملک را به ریاست ایل عرب (خمسه) و حکومت بلوک سبعة<sup>۶</sup> منصوب کرده بود اما از همان آغاز حکومت وی، آنان شروع به توطئه‌چینی و تحریکات سوء، علیه او کردند، لذا هر دو برادر و چند تن از بستگان آنان به دستور نظام السلطنه، در شب هشتم جمادی‌الأول ۱۳۲۹ با عده‌ای محافظ حکومتی به منظور تبعید به اروپا عازم بوشهر شدند. اما این قافله هنوز فاصله چندانی از شیراز نگرفته بود که در یک حمله غافلگیرانه در نزدیکی ده شیخ واقع در ۵۰ کیلومتری شیراز از سوی عده‌ای از قشقایی‌ها به سرکردگی اسدالله گله‌زن نمدی قرار گرفت و در نتیجه نصرالدوله با اسابت گلوله‌ای کشته شد.<sup>۸</sup> اما قوام‌الملک توانست از معرکه جان سالم به در برد.<sup>۹</sup> او به طور ناشناس، از طریق روستای گویم وارد شیراز شد و در قونسولگری انگلیس پناه گرفت؛<sup>۱۰</sup> در نتیجه، انگلیسی‌ها مسئولیت حفاظت از جان وی را بر عهده گرفتند.<sup>۱۱</sup>

این رویداد، بار دیگر فارس را وارد مرحله جدیدی از ناآرامی‌ها ساخت. هر روز عده زیادی از مخالفان قوامی‌ها با تجمع در اطراف قونسولگری و تحصن در تلگرافخانه و با ارسال تلگراف به مرکز، خواستار تسلیم

۱. نظام السلطنه در سال ۱۳۲۳ هـ.ق. حاکم کل خوزستان، لرستان و بروجرد بود و مدتی نیز حاکم کرمانشاه گردید و از همان منصب، به حکومت فارس تعیین شد. (نک: اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره، رضا قلی‌خان نظام السلطنه؛ زندگی سیاسی، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹)؛ صص ۹۱-۶۱.
۲. ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، همان؛ ص ۸۴.
۳. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۹ هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۶.
۴. همان؛ پرونده ۱۵؛ صص ۹-۱۰.
۵. اداره کل آرشیو و موزه و اسناد ریاست جمهوری، دولت‌های ایران از میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)؛ ص ۶۰.
۶. بلوک سبعة (هفت‌گانه)، به ناحیه‌ای در شرق فارس اطلاق می‌شد که از شمال به سیرجان و نیریز، از شرق به بلوک رودان احمدی و جیرفت، از جنوب به لارستان و از مغرب به دارابگرد محدود، و شامل هفت منطقه فورک، بویونج، خوش‌آباد، طارم، فارقان، فین و کلاهگاه می‌شد. (نک: دومورینی، ژ.، عشایر فارس، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷)؛ صص ۱۰۵-۱۰۴).
۷. روزنامه مجلس، سال ۴، ش: ۸۷ (مورخ ۱۱ جمادی‌الأول ۱۳۲۹)؛ ص ۴.
۸. حکمت، همان؛ ج ۱، صص ۵۷۵-۵۷۴.
۹. حکمت، رضا، همان؛ ص ۱۰۴.
۱۰. حکمت، علی‌اصغر، همان؛ ج ۱، ص ۵۷۵.
۱۱. کتاب آبی، ج ۵، ص ۱۰۵۸.

قوام‌الملک از جانب قونسولگری انگلیس بودند.<sup>۱</sup> نظام‌السلطنه نیز به منظور کاهش ناآرامی‌ها تلاش می‌کرد اقدامات انتظامی را افزایش دهد.

در این میان، بختیاری‌ها برای ضربه زدن به اتحادیه نظام‌السلطنه - صولت‌الدوله وارد عمل شدند. در نتیجه ضیغم‌الدوله را برای حمله به ایل قشقایی که در آن هنگام بدون حضور صولت‌الدوله در بیلاق به سر می‌برد، مهیا کردند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، صولت‌الدوله به سرعت روانه بیلاق قشقایی در مناطق شمالی فارس گردید، اما برای مساعدت با نظام‌السلطنه، حسینقلی‌خان صمصام‌السلطان قشقایی را با یکصد تفنگچی روانه شیراز ساخت.<sup>۳</sup>

قوام‌الملک در قونسولگری آرام ننشست بلکه از یک طرف با تطمیع الواط و اشرار شهری تلاش کرد آرامش شهر را به هم بزند<sup>۴</sup> و از سوی دیگر، علاوه بر تحریک اتباع خود برای ایجاد شرارت و ناامنی در راه‌ها، عده‌ای از تفنگچیان ایل خمسه را به شیراز وارد نمود. در نتیجه آشوب و ناامنی نه تنها شیراز بلکه سراسر فارس را فراگرفت.

نظام‌السلطنه که تصمیم داشت کار را یکسره سازد، با نیروی قابل توجهی از جمله قشقایی‌ها و دشتستانی‌ها به سه پایگاه قوامی‌ها در شرق شیراز حمله برد اما نتوانست به توفیقی دست یابد.<sup>۵</sup> این در حالی بود که با انتصاب صمصام‌السلطنه بختیاری به ریاست وزرا، بختیاری‌ها بار دیگر تا حدودی قدرت سابق خویش را بازیافتند و به شدت به تحریکات خود علیه نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله افزودند.

در این میان، انگلیسی‌ها مستقیماً وارد عمل شدند و از حکومت مرکزی، خواستار عزل نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله از مناصب خود شدند. در نتیجه، صمصام‌السلطنه، که با شکست محمدعلی میرزا توانست قدرت حکومت مرکزی را تثبیت کند، تصمیم گرفت کار فارس را یکسره سازد.<sup>۶</sup> از این رو وی درصدد برآمد نظام‌السلطنه را برکنار و رکن‌الدوله را به حکومت فارس منصوب نماید.<sup>۷</sup>

اما نظام‌السلطنه از کناره‌گیری خودداری کرد. صولت‌الدوله نیز اعلام کرد برای تقویت نظام‌السلطنه و اعاده انتظامات و تنبیه اعراب هوادار قوام، به زودی به آن‌ها حمله خواهد کرد.<sup>۸</sup> در نتیجه، درگیری شدیدی بین طرفین در گرفت که حاصلی برای صولت‌الدوله نداشت.

در حالی که درگیری‌ها به شدت ادامه داشت و احتمال حمله صولت‌الدوله به قونسولگری پیش‌بینی می‌شد، انگلیسی‌ها بر آن شدند تا با تسلیم اولتیماتومی به صولت‌الدوله هشدار دهند که اگر وی و افرادش

۱. همان؛ ص ۱۰۶۲.

۲. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۹ هـ.ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۶؛ ص ۲۲.

۳. همان، پرونده ۲۲؛ ص ۱۵.

۴. روزنامه مجلس، سال پنجم، ش: ۱۸ (مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹)؛ ص ۳.

۵. میرزایی دره شوری، همان؛ ص ۱۵۲.

۶. نوایی، همان؛ صص ۲۴۵-۲۴۱.

۷. کتاب آبی، همان؛ ج ۵، ص ۱۲۲۳.

۸. همان؛ صص ۱۲۴۶-۱۲۴۵.

شیراز را به سرعت ترک نمایند، دولت آن کشور رأساً وارد عمل خواهد شد. علاوه بر این، خسارت‌های وارده به منافع بریتانیا را نیز از وی و نظام‌السلطنه اخذ خواهند نمود.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه به منظور جلوگیری از ایجاد بهانه برای دخالت نظامی دولت بریتانیا، شیراز را ترک کردند. نظام‌السلطنه پس از خروج از شیراز، راهی منطقه خشت که املاک شخصی وی در آنجا بود، گردید.<sup>۲</sup> قوام‌الملک نیز یک روز پس از عزیمت مخالفان، از قونسولگری خارج شد.<sup>۳</sup>

در این میان، صمصام‌السلطنه با بهره‌گیری از موقعیت پیش‌آمده، صولت‌الدوله را از ایلخانی‌گری، عزل و ضیغم‌الدوله را با عنوان جدید سردار احتشام، به ایلخانی‌گری منصوب کرد. بدین ترتیب، صولت‌الدوله پس از آن، عازم مقر خود در فیروزآباد شد.<sup>۴</sup> این امر، فرصتی برای بختیاری‌ها و قوام‌الملک - که اکنون نایب‌الایاله بود - به وجود آورد تا بزرگترین رقیب ایلی خود یعنی صولت‌الدوله را از میان بردارند.

### انگلیسی‌ها در مقابل صولت‌الدوله

در این زمان، انگلیسی‌ها که دیگر آشکارا در رویدادهای محلی فارس جهت‌گیری می‌کردند، به بهانه حمایت از قوام‌الملک برای انتظام جاده‌های تجاری، پنج هزار لیر به وی پرداخت کردند تا برای قلع و قمع صولت‌الدوله وارد عمل شود.<sup>۵</sup>

قوام‌الملک و انگلیسی‌ها علاوه بر تجهیز سردار احتشام، تلاش کردند تا غضنفرالسلطنه برازجانی، ناصر دیوان کازرونی و خورشید کمارجی را با خود همراه سازند تا از اتحاد آنان با صولت‌الدوله جلوگیری شود.<sup>۶</sup> سردار احتشام که مسئولیت برقراری نظم در جاده تجاری شیراز - بوشهر را بر عهده داشت، با هماهنگی با قوام‌الملک، راهداری مسیر مزبور را به محمدعلی خان و محمدخان کشکولی در ازای دریافت ماهیانه هزار تومان واگذار کرد.<sup>۷</sup>

اما بروز حادثه‌ای موجب بهره‌برداری سیاسی صولت‌الدوله گردید. در این میان، مستر اسمارت، قونسول جدید انگلیس از بوشهر عازم شیراز بود؛ به علت اختلاف بین افراد محمدعلی خان و محمدخان در چگونگی پذیرایی از وی درگیری بین طرفین به وجود می‌آید که در نتیجه، با تیراندازی یکی از افراد محمدعلی خان، مستر اسمارت مجروح می‌گردد.<sup>۸</sup> اما علی‌رغم تلاش انگلیسی‌ها و حاکم فارس، محمدعلی خان کشکولی از تحویل مرتکبین خودداری کرد.<sup>۹</sup> به این دلیل، این مسئله، خود بهانه‌ای برای اعمال نفوذ بیشتر انگلیسی‌ها و بهره‌برداری سیاسی علیه قشقای‌ها گردید. در نتیجه، صولت‌الدوله مستقیماً مقابل انگلیسی‌ها قرار گرفت و

۱. کتاب آبی، همان؛ ج ۵، صص ۱۲۴۶-۱۲۴۵.

۲. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۹، کارتن ۲۹، پرونده ۲۵؛ ص ۲۳.

۳. کتاب آبی، همان؛ ج ۶، ص ۱۳۳۹.

۴. همانجا.

۵. ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، همان؛ صص ۹۳-۹۲.

۶. روزنامه مجلس، سال پنجم، ش: ۹۱ (۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰)؛ ص ۳.

۷. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقای (تهران: خرداد، ۱۳۸۱).

۸. همانجا.

۹. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۰هـ. ق، کارتن ۲۹، پرونده ۱؛ ص ۱۲۴.



با جمع‌آوری نیرو اعلام کرد که برای جلوگیری از ورود نیروهای انگلیسی و برحسب حکم علما، به طرف کازرون عزیمت خواهد نمود تا کلانتران قشقایی را با خود همراه سازد.<sup>۱</sup> لذا سردار احتشام که برای دستگیری مرتکبین حمله به اسمارت به کازرون رفته بود، مجبور شد به منظور مقابله با صولت‌الدوله به راه افتد.<sup>۲</sup> اما از این اقدام نتیجه‌ای برای سردار احتشام حاصل نشد.

از این رو قوام‌الملک و سردار احتشام با طرح نقشه جدیدی علیه صولت‌الدوله و بهانه کردن اینکه یکی از مرتکبین حمله به اسمارت، در نزد صولت‌الدوله است،<sup>۳</sup> طرح حمله جدیدی را علیه وی پایه‌ریزی کردند. در نتیجه، سردار احتشام به اتفاق محمدعلی خان و محمدخان کشکولی، آقا کیخا و علی پناه کیخا دره‌شوری و نیروهای ایل خمسه به سرکردگی مسعودالدوله، در خان خویس، جلو احتشام صولت‌الدوله را در هنگام عزیمت به ییلاق مسدود کردند؛ جنگ خونینی بین طرفین در گرفت که علی‌رغم پیروزی‌های اولیه، در نهایت نیروهای صولت‌الدوله و ایاز کیخا دره‌شوری شکست خوردند.<sup>۴</sup> صولت‌الدوله به فیروزآباد عقب‌نشینی کرده ولی ایاز کیخا که به ییلاق رفته بود، با طرح توطئه‌ای، به اردوی سردار احتشام کشانده و سپس وی و فرزندانش، دستگیر شدند.<sup>۵</sup> اقدامات مزبور و برخوردهای نامناسب دیگر سردار احتشام با کلانتران و ناتوانی وی در اداره ایل، موجب رویگردانی بسیاری از کلانتران طوایف از وی و روی آوردن مجدد به صولت‌الدوله گردید؛ بدین‌سان سردار احتشام به میزان زیادی اقتدار خود را از دست داد.

### درگیری نیروهای ژاندارمری با صولت‌الدوله

در تابستان ۱۳۳۰ هـ.ق. نیروهای صولت‌الدوله طی نبردی با اردوی سردار احتشام، وی را شکست داده و بدین ترتیب با تصرف اولین توقفگاه کاروان‌های تجاری جاده بوشهر، بار دیگر نظرها را به سمت خویش جلب نمود.<sup>۶</sup> در نتیجه عملاً ارتباط شیراز با بوشهر قطع شد لذا قوام‌الملک نایب‌الایاله وقت فارس، به منظور جلوگیری از پیشروی صولت‌الدوله، به دنبال راه چاره‌ای بود. از این رو، وی دست به دامان نیروهای ژاندارمری که به تازگی توسط سوئدی‌ها در کشور تشکیل شده بود، گردید.

قوام‌الملک طی گزارشی به کلنل یالمارسن فرمانده سوئدی نیروهای ژاندارمری در تهران اطلاع داد که یک عده یاغی برای شرارت به بلوک سیاخ وارد شده و از وی خواست که برای سرکوب آنان وارد عمل شود. یالمارسن هم بدون اطلاع و آشنایی با اوضاع، طی فرمانی، ماژور سیفورت را مأمور حمله به افراد مزبور نمود.<sup>۷</sup>

۱. مرکز اسناد ملی، (شماره بازایی: ۲۲/۱۱۵/۱-۲۹۳).

۲. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۰ هـ.ق.، کارتن ۲۹، پرونده ۱؛ ص ۶۶.

۳. همان؛ ص ۱.

۴. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۰ هـ.ق.، کارتن ۲۹، پرونده ۱۰؛ ص ۹۴.

۵. مصاحبه نگارنده با ملک‌منصورخان قشقایی (تهران: خرداد ۱۳۸۱).

۶. قرقانی، حمید، تاریخ ژاندارمری فارس در جنگ جهانی اول، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹؛ ص ۵۵.

۷. مصاحبه نگارنده با محمدحسین خان قشقایی (سلمان‌شهر: شهریور ۱۳۸۱).

بدین ترتیب در ۲۱ شعبان ۱۳۳۰، ماژور سیفورت با ماژور نیستروم به قصد رویارویی با صولت‌الدوله، با یک عراده توپ کوهستانی به طرف سیاخ حرکت کردند.<sup>۱</sup> آنان در آغاز در روستای چنار راهدار توانستند یکی از مواضع قشقایی‌ها را متصرف شوند ولی در دارنگان با نیروهای حسن‌خان کشکول - برادر زن صولت‌الدوله - مواجه شدند که طی نبردی که بین آنان درگرفت، نیروهای ژاندارمری به دلیل عدم شناخت منطقه و ناآگاهی در جنگ‌های چریکی، متحمل شکست سنگینی گردیدند. در نتیجه تعدادی از آنان به اسارت قشقایی‌ها درآمدند و ماژور سیفورت که مجروح شده بود با بقیه نیروها مجبور به عقب‌نشینی گردید.<sup>۲</sup> در این زد و خورد، حدود ۱۵۰ قبیضه تفنگ و شانزده هزار فشنگ و یک عراده توپ کوهستانی به تصرف قشقایی‌ها درآمد.<sup>۳</sup>

صولت‌الدوله چند روز بعد در یک اقدام تاکتیکی، اسرای ژاندارمری و تسلیحات آنان را به شیراز فرستاد و در نامه‌ای به ماژور سیفورت نوشت که وی یاغی نبوده و همیشه مطیع اوامر و مقررات کشور خود است. وی همچنین قوام‌الملک را فردی متمرّد و یاغی خوانده که با دسیسه‌چینی، دشمنی قوای دولتی را علیه او برانگیخته است.<sup>۴</sup> با اقدام مزبور، صولت‌الدوله تلاش کرد تا ضمن جلب نظر ژاندارمری نسبت به خود، از ادامه همکاری آنان با قوام‌الملک جلوگیری نماید. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها که از شکست ژاندارمری شگفت‌زده شده بودند، تلاش کردند تا با تجهیز مجدد قوام‌الملک و کمک مالی به وی، زمینه حمله جدیدی را علیه صولت‌الدوله به وجود آورند.<sup>۵</sup> اما با وقوع تحولات جدیدی در مرکز، این طرح، ناتمام ماند.

### بازیابی قدرت و اقتدار

با سقوط کابینه صمصام‌السلطنه و تشکیل کابینه علاءالسلطنه بدون حضور بختیاری‌ها، قدرت و نفوذ آنان به میزان زیادی کاهش یافت.<sup>۶</sup> این مسئله، موجب از دست رفتن یکی از قدرتمندترین حامیان قوام در حکومت مرکزی گردید. از سوی دیگر، انتصاب عین‌الدوله به وزارت داخله که از دیرباز روابط حسنه‌ای با صولت‌الدوله داشت، زمینه را برای تجدید قدرت صولت‌الدوله فراهم ساخت.<sup>۷</sup> در ایل قشقایی نیز با پراکنده شدن نیروهای هوادار سردار احتشام، وی ناچار به استعفا گردید.<sup>۸</sup> در نتیجه زمینه برای ایلخانی‌گری صولت‌الدوله مهیا شد. از این رو با جلب نظر مخبرالسلطنه هدایت، حاکم جدید فارس، صولت‌الدوله ضمن انتصاب ایلخانی‌گری، مأموریت یافت تا مرتکبان حمله به مستر اسمارت را مورد پیگرد قرار دهد.<sup>۹</sup>

۱. ابرلینگ، «کوچ‌نشینان قشقایی فارس»، همان؛ ص ۱۳۲.

۲. مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۰هـ. ق، کارتن ۲۹، پرونده ۲۱؛ ص ۲۷.

۳. ابرلینگ، همان؛ ص ۱۳۳.

۴. قرقانی، همان؛ صص ۶۳-۶۴.

۵. کتاب آبی، همان؛ ج ۸، ص ۲۰۱۵.

۶. گارثویت، همان؛ ص ۲۸۱.

۷. نجفی شبانکاره، همان؛ ص ۳۴۲.

۸. میرزایی دره شوری، همان؛ ص ۱۵۴.

۹. هدایت، مخبرالسلطنه، گزارش ایران، قاجاریه و مشروطیت (تهران: نقره، ۱۳۶۳، چاپ دوم)؛ صص ۳۲۰-۳۱۹.

بدین ترتیب صولت‌الدوله توانست با دستگیری و تحویل دو تن از متهمان حمله به اسمارت، و برقراری آرامش در جاده‌های تجاری، وفاداری خود را به حکومت مرکزی اثبات نموده و قدرت خویش را به رخ انگلیسی‌ها بکشد.

بنابراین سردار احتشام در کنار برخورداری از حمایت بختیاری‌ها، قوام‌الملک و انگلیسی‌ها و همچنین بخش قابل توجهی از کلانتران ایل قشقایی، نتوانست از این فرصت طلایی بهره‌برداری کند. اما صولت‌الدوله توانست ضمن خنثی ساختن دسیسه‌های مختلف علیه خود، ضمن حفظ اعتبار سیاسی خویش، اقتدار و قدرت خود را بازیابی نماید. در یک نظر کوتاه به تحولات اخیر می‌توان دریافت که جهت‌گیری علنی انگلیسی‌ها علیه صولت‌الدوله نفرتی از آنان در ذهن وی ایجاد کرد که تأثیر آن را در حوادث آتی به‌ویژه جنگ جهانی اول نمی‌توان نادیده گرفت.

### نتیجه

صولت‌الدوله پس از قدرت‌یابی توانست با بهره‌گیری از اقتدار و بینش سیاسی خویش در بین ایل قشقایی، محبوبیت و مقبولیت کم‌نظیری به دست آورد. وی با تکیه بر این سرمایه سیاسی، توانست دامنه نفوذ ایل قشقایی را به طور بی‌سابقه‌ای گسترش دهد. در این میان، پیش‌آمد جنبش مشروطیت و حمایت وی از مشروطه‌خواهان، فرصت طلایی و نقطه عطفی در زندگی سیاسی وی به وجود آورد تا او از یک چهره محلی، به یک قدرت منطقه‌ای حتی ملی مبدل گردد. از آن سو نیز حمایت همه‌جانبه صولت‌الدوله از مشروطه‌خواهان با تکیه بر نیروی نظامی قابل توجه وی موجب افزایش قدرت مشروطه‌خواهان در برابر مخالفان گردید.

اما به دست آوردن موقعیت مزبور برای وی کم‌هزینه نبود؛ زیرا قدرت‌ها و رقاباتی از جمله رقابت درون ایلی (برادران صولت‌الدوله و کلانتران طوایف)، محلی (خاندان قوام‌الملک و هواداران‌شان) منطقه‌ای (سران متنفذ ایل بختیاری) و خارجی (انگلیسی‌ها) برای مقابله با او و حذف وی از صحنه سیاسی وارد عمل شدند. گرچه مخالفان با اتحاد و هم‌فکری با یکدیگر و طرح و اجرای دسیسه‌های مختلف و پی‌درپی توانستند ضربات بی‌شمار و جبران‌ناپذیری به وی وارد سازند، لیکن وی توانست ضمن خنثی‌سازی دسیسه‌های مزبور و تعامل با شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی متنفذ تا حدود زیادی قدرت و اقتدار سابق خویش را بازسازی نماید.

## کتابنامه

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، رضا قلی خان نظام السلطنه؛ زندگی سیاسی، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹).
- حکمت، رضا، *خاطرات سردار فاخر حکمت*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا (تهران البرز، ۱۳۷۹).
- حکمت، علی اصغر، *ره‌آغاز حکمت*، به اهتمام سیدمحمد دبیرسیاقی، ج ۱ (تهران: خجسته، ۱۳۸۴).
- دومورینی، ژ، *عشایر فارس*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷).
- شفیعی سروستانی، مسعود، *فارس در انقلاب مشروطیت* (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۲).
- قزقانی، حمید، *تاریخ ژاندارمری فارس در جنگ جهانی اول*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶).
- گارثویت، جن، راف، *تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری*، ترجمه مهرداد امیری (تهران: سپند، ۱۳۷۷).
- میرزایی دره شوری، غلامرضا، *قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱).
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۵، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۴ (تهران: نوین و آگاه، ۱۳۶۲).
- نجفی شبانکاره، علی عسکر، *نقش ایل قشقایی در حوادث سیاسی فارس از مشروطه تا جنگ جهانی اول*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- نصیری طیبی، منصور، *ایالت فارس و قدرت‌های خارجی؛ از مشروطیت تا سلطنت رضا شاه* (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۴)؛ صص ۳۶-۷.
- نوی، عبدالحسین، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم* (تهران: بابک، ۲۵۳۵).
- نیر شیرازی، عبدالرسول، *تحفه تیر*، با تصحیح و توضیح محمد یوسف نیری (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۳).
- هدایت، مخبرالسلطنه، *گزارش ایران، قاجاریه و مشروطیت* (تهران: نقره، ۱۳۶۳، چاپ دوم).
- وٹوقی، محمدباقر و کوروش کمالی سروستانی، *نگاهی به تحولات فارس در آستانه استبداد صغیر* (بی‌جا: ستاد کنگره بزرگداشت آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، با همکاری بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۷).
- ویلسن، آرنولد، *سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*، ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری (بی‌جا: وحید، ۱۳۴۷)؛ ص ۱۰۸.

## اسناد و مطبوعات

- آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آرشیو اسناد ملی ایران.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه.
- ابریلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلیس در جنوب ایران»، ترجمه کاوه بیات، ماهنامه نامه نور، ش: ۴ و ۵، دهم آذر ۱۳۵۸؛ ص ۷۵.
- اداره کل آرشیو و موزه و اسناد ریاست جمهوری، *دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی* (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)؛ ص ۶۰.
- «اسناد تاریخی و منتشرنشده ایل قشقایی» با حواشی و توضیحات ابراهیم باستانی‌باریزی، ماهنامه نامه نور، شماره چهارم و پنجم، دهم آذر ۱۳۵۸؛ صص ۱۲۴-۱۲۱.
- براون، ادوارد، *انقلاب ایران*، ترجمه احمدپژوه (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۸).
- روزنامه اخوت شیراز، سال اول، ش: ۱ (مورخ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶)؛ ص ۳.
- \_\_\_\_\_، ش: ۵ (مورخ ۵ جمادی الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۸.
- روزنامه حبل‌المتین (تهران)، سال اول، ش: ۳۳، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ ص ۳.
- \_\_\_\_\_ (تهران)، سال اول، ش: ۱۸۵، ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۵؛ صص ۴-۳.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال شانزدهم، ش: ۲۳، ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ هـ.ق؛ صص ۲۲-۲۱.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال شانزدهم، ش: ۳۵، ۶ ربیع‌الأول ۱۳۲۷؛ ص ۲۴.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال هفدهم، ش: (۲۰ شعبان ۱۳۲۷)؛ ص ۱۵.



- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۴۵ (مورخ ۲۷ جمادی الأول ۱۳۲۸)؛ صص ۱۹-۱۸.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۸ (مورخ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷)؛ صص ۷-۸.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال هفدهم، ش: ۹ (مورخ ۲۰ شعبان ۱۳۲۷)؛ صص ۱۸-۱۷.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، ش: ۲۲ (مورخ ۱۱ رمضان ۱۳۲۷)؛ صص ۱۷.
- \_\_\_\_\_ (کلکته)، سال هجدهم، ش: ۲ (مورخ ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۸)؛ صص ۲۱.
- روزنامه مجلس، سال اول، ش: ۱۲۹ (مورخ ۲۴ شوال ۱۳۲۵)؛ صص ۳-۲.
- \_\_\_\_\_، سال اول، ش: ۱۵۵ (۲ رجب ۱۳۲۵)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال دوم، ش: ۱۵۱ (مورخ ۱۸ جمادی الأول ۱۳۲۶)؛ صص ۳.
- \_\_\_\_\_، سال دوم، ش: ۷۸ (مورخ ۱۷ صفر ۱۳۲۶)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال سوم، ش: ۲۸ (مورخ ۱۲ رمضان ۱۳۲۷)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال سوم، ش: ۲۹ (مورخ ۱۵ رمضان ۱۳۲۷)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال چهارم، ش: ۱۳ (مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۸)؛ صص ۳-۲.
- \_\_\_\_\_، سال چهارم، ش: ۳۱ (مورخ ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۸)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال چهارم، ش: ۳۶ (مورخ ۳ ذی حجه ۱۳۲۸)؛ صص ۳.
- \_\_\_\_\_، سال چهارم، ش: ۸۷ (مورخ ۱۱ جمادی الأول ۱۳۲۹)؛ صص ۴.
- \_\_\_\_\_، سال پنجم، ش: ۱۸ (مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹)؛ صص ۳.
- \_\_\_\_\_، سال پنجم، ش: ۹۱ (مورخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۰)؛ صص ۳.
- روزنامه یادگار جنوب، سال اول، ش: ۶ (مورخ ۲۶ محرم ۱۳۲۹)؛ صص ۵-۶.
- کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران)، ج ۱ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۲۹.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی، منصوره آتحدیه، سیروس سعدوندیان و حمید مرام‌پیشه (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲).

#### منابع شفاهی

- مصاحبه نگارنده با محمدحسین خان قشقایی (سلمان شهر: شهریور ۱۳۸۱).
- مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران: خرداد ۱۳۸۱).
- مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران: فروردین ۱۳۷۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی